

## حقوق معنوی نادیده گرفته شده زنان در لایحه ارتقای امنیت زنان در برابر سوء رفتار

محدثه رضایی<sup>۱</sup>، تقوی کنانی<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از موضوعات مهم در حوزه حقوق زنان بررسی نیازهای معنوی زوجه و تلاش برای تحقق آن است. منظور از حقوق معنوی زنان آن دسته از نیازهای مسلم آنها در حوزه‌های مختلف است که تداوم حیات و زندگی با کرامت و عزت آنها در گرو آن است که در صورت ضایع شدن آن، تعالی نفس و سلامت روح و روان زنان آسیب می‌بیند. در لایحه ارتقای امنیت زنان به طور ویژه به حقوق مادی و معنوی زن اشاره شده است، اما در این لایحه برخی از حقوق معنوی زنان نادیده گرفته شده است. پژوهش حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی، این حقوق نادیده گرفته شده را شناسایی و بررسی می‌کند. در لایحه ارتقای امنیت زنان در برابر سوء رفتار به برخی حقوق معنوی زنان مانند حق آزادی و رفت‌وآمد آن‌طور که شایسته است پرداخته نشده است. همچنین به حقوقی مانند حق جنسی زوجه، حق بیتوته، مسئله خیانت زوج به زوجه و حبس خانگی زوجه توجهی نشده است.

**واژگان کلیدی:** حقوق معنوی، لایحه، ارتقای امنیت زنان، سوء رفتار.

### ۱. مقدمه

حقوق زنان، مهمترین مسائل حقوق خانواده مانند حقوق مالی (ارث، نفقه و...) و حقوق معنوی (حق بیتوته، حق آزادی بیان و...) را شامل می‌شود. لایحه ارتقای امنیت زنان در برابر

۱. دانش‌پژوه کارشناسی حقوق، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. مربی گروه علمی و تربیتی حقوق، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

سوءرفتار، گام مثبتی در تحقق حقوق زنان است و به صورت ویژه در این مسئله ورود کرده است. این لایحه هم حقوق مالی و هم حقوق معنوی را شامل می‌شود. هدف مقاله حاضر، شناسایی خلأهای لایحه در مورد حقوق معنوی زن است؛ زیرا این لایحه جزو اسناد داخلی است و باید به نواقص آن توجه کرد تا به کمک قانون از هرگونه آسیب به زنان پیشگیری کرد یا در صورت آسیب، به جبران آن پرداخت؛ زیرا زنان در قالب همسر و مادر تأثیر بسیاری در سرنوشت جامعه دارند. لایحه ارتقای امنیت زنان از سال ۱۳۹۱ بین نهادها، سازمان‌ها و کمیسیون‌های مختلف دست به دست شد تا اینکه در فروردین سال ۱۴۰۲ به تصویب رسید. در ابتدا عنوانش منع خشونت بود، اما با بازنگری‌هایی مختلف به سوءنیت تبدیل شد؛ زیرا خشونت، مفهوم خاص دارد، ولی سوءرفتار معنایی اعم از خشونت دارد و شامل آسیب‌های معنوی هم می‌شود که قانون‌گذار باید در آن ورود کند؛ زیرا در قوانین مدنی به امساک به معروف و حسن رفتار اشاره شده است. در ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی آمده است که زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند. درست است که از الفاظ الزام‌آور استفاده شده است، اما برای آن در ماده ضمانت اجرایی وجود ندارد. در این لایحه به خوبی به موارد متعدد سوءرفتار اشاره شده و ضمانت اجرایی تعیین کرده است، البته خلأهایی هم در حقوق معنوی زنان است که در نوشتار حاضر شناسایی و بیان می‌شود.

## ۲. مفهوم شناسی

### ۲-۱. حق آزادی رفت و آمد

آزادی رفت و آمد یعنی، افراد در خروج از کشور خود به هر نقطه‌ای آزادند و هرگاه بخواهند، می‌توانند به کشور خود مراجعت کنند و نیز هرگاه بخواهند می‌توانند در داخل کشور رفت و آمد کنند. در این مسیر، هیچ مانعی نباید مخل به اراده شخص باشد که در ماده ۴۸ قانون اساسی این امر آمده است. (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۰، ص ۲۹) آزادی رفت و آمد نتیجه امنیت شخصی است. این حق از حقوق اولیه فرد در کشورهایی است که حاکمیت مردم سالارانه دارند. برخی

معتقدند محروم کردن افراد از چنین حقی از ویژگی‌های حکومت‌های اقتدارگرا و تمرکزطلب است (قاضی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۷). براساس مفاد اسناد بین‌المللی حقوق بشر، حق آزادی رفت‌وآمد سه جنبه دارد: حق آزادی جابجایی در قلمرو کشور محل اقامت قانونی که دربرگیرنده حق انتخاب آزادانه اقامتگاه است؛ حق ترک هر کشور صرف نظر از تابعیت فرد؛ حق ورود به کشور متبوع. حق رفت‌وآمد و تعیین آزادانه اقامتگاه، مطلق نیست و محدودیت‌هایی برای آن در حقوق کشورهای مختلف به‌ویژه در قوانین کیفری پیش‌بینی شده است.

ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ در این باره مقرر می‌دارد: «هرکس حق دارد در داخل هر کشوری آزادانه رفت‌وآمد و محل اقامت خود را انتخاب کند؛ هرکس حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خود بازگردد». (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۰، ص ۲۹) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ در ماده ۱۲ با تصریح به این حق بیان می‌دارد: «هرکس قانوناً در سرزمین دولتی مقیم باشد حق رفت‌وآمد آزادانه و انتخاب آزادانه اقامتگاه خود را در آنجا خواهد داشت. هرکس آزاد است هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند. حقوق یادشده، تابع هیچ‌گونه محدودیتی نیست مگر محدودیت‌هایی که به موجب قانون، مقرر شده و برای حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، بهداشت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران لازم بوده و با سایر حقوق شناخته شده در این میثاق سازگار باشد» (شیلتون، ۲۰۰۸، ص ۱۳۷).

نظریه عمومی شماره ۲۷ کمیته حقوق بشر سازمان ملل نیز به شرح و تفسیر ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی درباره حق آزادی رفت‌وآمد می‌پردازد. در این نظریه آمده است: «کشورهای عضو باید حق آزادی رفت‌وآمد را نه تنها در سطح عمومی، بلکه در روابط خصوصی افراد نیز تضمین کنند. در این راستا زنان نیاز به حمایت ویژه دارند. اینکه حق آزادی رفت‌وآمد زنان از سوی قانون یا عرف منوط به تصمیم فرد دیگری مانند یکی از خویشاوندان شود با مفاد بند ۱ ماده ۱۲ میثاق در تعارض است. همچنین اعمال محدودیت

بر این حق باید همسو با دیگر حقوق تضمین شده در میثاق و اصول اساسی برابری و عدم تبعیض باشد. بنابراین، اعمال محدودیت بر این حق براساس نژاد، جنسیت، زبان، دین، وضعیت مالی و مانند آن نقض آشکار ماده ۱۲ میثاق است. احکام موجود در برخی کشورها که آزادی رفت و آمد و انتخاب اقامتگاه زنان را منوط به اجازه یا همراهی فرد مذکری می‌کند نقض ماده ۱۲ میثاق است.

دولت ایران در تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۴۷ و در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۴ میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی را بدون هیچ قید و شرطی تصویب کرد، به آن اعتبار قانونی بخشید و خود را به آن متعهد ساخت. بعد از انقلاب اسلامی نیز دولت ایران نه تنها میثاق را رد نکرد و خروج خود را از عضویت در آن اعلام نکرد، بلکه سیاست کلی ایران مبنی بر همکاری با کمیته حقوق بشر بود. (مهریور، ۱۳۹۵، ص ۷۵) ماده ۱۸ و ۱۹ قانون گذرنامه، خروج زنان شوهردار و دختران مجرد از کشور را منوط به اجازه همسر و پدر می‌داند که این خود به گونه‌ای برخلاف حق آزادی رفت و آمد است.

### ۳. حق آزادی رفت و آمد در لایحه ارتقای امنیت زنان

متأسفانه در این لایحه همچنان به این حق بی‌توجهی شده است. در ماده ۵۰ این لایحه آمده است: «زنانی که برای خروج از کشور نیاز به اذن همسر دارند در صورت خودداری غیرموجه وی از اعطای اذن می‌توانند با تقدیم دادخواست، مدارک و مستندات خود مبنی بر ضرورت خروج از کشور را به دادگاه خانواده تسلیم کنند. دادگاه خارج از نوبت نسبت به موضوع رسیدگی کرده و در صورت احراز ضرورت امر، عنداللزوم پس از اخذ تأمین مناسب، اذن خروج از کشور با ذکر مدت و دفعات سفر را خواهد داد». بنابراین، تنها گام مثبت این لایحه در این مورد رسیدگی خارج از نوبت دادگاه برای احراز ضرورت خروج از کشور است، ولی خروج زنان و دختران منوط به اجازه همسر و پدر است و شرط اذن ولی همچنان به قوت خود باقی است. در حالی که آزادی رفت و آمد از حقوق معنوی مسلم هر خانم یا دختر بالای ۱۸ سال است.

#### ۴. نشوز زوج در برابر حق جنسی زوجه

خانواده مهمترین و نخستین نهاد جامعه است و نقش مهمی در سلامت جنسی فرد و جامعه دارد. ادامه حیات و بالندگی در دوام و قوام این نهاد مقدس به عوامل متعدد بستگی دارد که توجه به آن از سوی اعضای خانواده، جامعه و مسئولین کشور بسیار مهم است. از عواملی که به بقای خانواده کمک شایانی می‌کند سلامت جنسی و کارکرد مناسب آن در چارچوب خانواده براساس شرع، قانون و عرف است. امروزه مشخص شده است که روابط جنسی پایدار زوجین در ثبات و تحکیم خانواده نقش مؤثری دارد. قوانین رسمی در مورد نشوز مردان و نیازهای جنسی زن سکوت کرده و آنرا نادیده گرفته است. با وجود اینکه فقه اسلامی به آن اشاره کرده و ارضای نیازهای جنسی را هم برای مردان و هم برای زنان در خانواده واجب می‌داند. (شعربافچی زاده و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۸۹)

برخلاف اینکه در متون اسلامی به حق زوجین در این زمینه توجه شده، اما نمایان شدن بیشتر این حق در مورد زوج، موجب غفلت از حقوق جنسی زوجه شده است. در لایحه ارتقای امنیت زنان در برابر سوءرفتار که پرچمدار حقوق زنان است به این سوءرفتار مرد یا همان نشوز زوج پرداخته نشده و از آن غفلت شده است در حالی که این مسئله اهمیت زیادی در سلامت جسمی و روحی زوجه و در نهایت سلامت جامعه دارد.

#### ۵. حق جنسی زوجه در فقه

تحقیق در کتاب‌های فقهی نشان می‌دهد که عمل نکردن به دستور دین در چهار حوزه نفقه، قسم، موافقه و معاشرت به معروف نسبت به زن مصداق‌های نشوز مرد است. (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۰۲/۳۰؛ ۱۴۷/۳۱؛ حلی، ۱۴۱۳، ۵/۳) براساس صریح آیه قرآن، زن به مجرد بیم از رخ دادن نشوز باید برای حل برطرف کردن آن اقدام کند (ر.ک.، نساء: ۱۲۸). در قوانین جمهوری اسلامی تنها ترک انفاق براساس ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی جرم‌انگاری شده و واژه نشوز و مفهوم آن برای مرد به کار نرفته است. به عبارت دیگر، قوانین مربوط در وجوه مدنی، حمایتی و کیفری

فاقد سیاست‌ها و تدابیر تقنینی لازم برای آسان‌سازی استیفای حقوق جنسی زن است. این درحالی است که در متون فقهی به قاضی، اجازه تعزیر مردی داده شده است که وظایف زوجیت در واقعه و حق قسم را انجام نمی‌دهد؛ یعنی قاضی باید چنین مردی را از راه سازوکارهای کیفری-تعزیری و غیرکیفری به ادای وظیفه زوجیت وادار کند و اگر اجبار اثری نداشته باشد او را به طلاق زوجه موظف کند. در صورت خودداری مرد، قاضی بنابر قاعده (الحاکم ولی الممتنع) به مطلقه کردن زوجه اقدام خواهد کرد.

در متون فقهی، نشوز زوج از موجبات طلاق اجباری است و در این مورد طلاق به عسر و حرج زوجه مقید نشده است. به عبارت دیگر، نشوز و عدم ادای وظایف زناشویی به صورت مطلق از زمینه‌های ورود حقوق به ساحت خانواده است. این مسئله به تأمین بودن زوجه از نظر مالی ربطی ندارد. صاحب جواهر و امام خمینی رحمتهما علیهما در تحریرالوسیله به این امر پرداخته‌اند. (نجفی، ۱۳۹۱، ۳۱/۲۰۷؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ۲/۲۷۴) ترک آمیزش با همسر بیش از چهارماه صحیح نیست (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۸/۲۷۱). روی دیگر این سخن این است که براساس نظر مشهور فقهای امامیه، زن بیش از واقعه هر چهارماه یک‌بار، حقی برگردن زوج ندارد (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۴۸۲؛ ابن براج طرابلسی، ۱۴۰۶، ۲/۲۳۳؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ۲/۲۱۴). تنها سند مرجع صدور فتوا برای حد آمیزش، روایتی است از صفوان بن یحیی از امام رضا علیه السلام. در این روایت امام در پاسخ به فردی که نزدیکی با همسرش را به علتی مانند عزادار بودن و نه به قصد اضرار زوجه به تعویق انداخته بود، فرمود: «ترک واقعه بیش از چهارماه جایز نیست» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۳/۴۰۵).

باوجودی که در سند و دلالت این روایت تردیدی نیست به نظر می‌رسد مبنا قرار دادن این روایت برای همه زمان‌ها و همه افراد با دستور صریح قرآنی با عبارت: «عاشروهن بالمعروف» در تضاد آشکار است؛ زیرا حق جنسی که از حقوق طبیعی همه افراد است فاقد ظرفیت‌های کنترل‌ها و تعدیل‌های کمی است. این درحالی است که برای زوج هیچ محدودیتی در این زمینه وجود ندارد. فقها هم توجه به نیاز زن را لازم می‌دانند. به گفته آیت‌الله مکارم شیرازی،

برخی از آنها این فاصله را به مواردی مربوط می‌دانند که زن به گناه نیفتد وگرنه کاهش فاصله یاد شده لازم است. ایشان همچنین می‌فرماید: «به نظر می‌رسد مستند قرآنی تحدید حق به چهارماه، آیات مربوط به ایلاء باشد که براساس فرهنگ جاهلی، شوهر تحت شرایطی به همبستر نشدن با زن سوگند یاد می‌کرد. اسلام با تحدید اثر آن ایلاء به چهارماه و حکم طلاق پس از آن به استمرار چنین وضعی راضی نشده است» (مکارم شیرازی، ۱۴۳۲، ص ۱۰۳).

## ۶. جایگاه نشوز زوج در حقوق خانواده و پیامدهای آن

نشوز زوج در حقوق خانواده جمهوری اسلامی وضعیت روشنی ندارد و در هیچ متن قانونی، واژه نشوز زوج ذکر نشده است. این درحالی است که معلق گذاشتن زوجه و خودداری از طلاق او از طرفی و معاشرت به معروف نداشتن از سوی دیگر، گذشته از ضررهای فردی بر زوجه پیامدهای منفی اجتماعی دارد که می‌تواند به جرائمی مانند خیانت جنسی، ضرب و جرح، قتل، خودکشی و امثال آن بیانجامد. بدین ترتیب، سیاست جنایی نمی‌تواند فارغ از واقعیت‌های عینی و خارجی با ویژگی سنجیدگی و عقلانیت، راهبردهای کلان تقنینی و قضایی را سازماندهی کند. اگر گفته شود در صورت تحقق نشوز زوج، با وجود امکان طلاق قضایی چه نیازی به جرم‌انگاری است پاسخ این است که جرم‌انگاری نشوز در ابتدا جرم مانع تلقی می‌شود و تلاشی است برای حراست از این کانون مقدس. در مرحله بعد، جرم‌انگاری مانند پاسخ‌دهی به انحرافی است که پاسخ‌های حقوقی قادر به تعدیل آن نیست. (شعربافی زاده و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۷۱)

## ۷. نشوز زوج در رویه قضایی

در مورد نشوز مرد، چهار مصداق در متون فقهی مشخص شده است که عبارتند از: نفقه، قسم، موافقه، حسن معاشرت. در این مورد قانون مشخصی وجود ندارد و تنها در مورد ترک انفاق از طرف مرد، زن می‌تواند به دادگاه مراجعه کند و در صورت امتناع مرد از پرداخت، قاضی در قالب ولی ممتنع وی را مطلقه می‌کند. در مورد مسئولیت‌های غیرمالی زوج، هیچ ضمانت

اجرایی در متون حقوقی تعریف نشده و تنها راه زنی که در چنین وضعیتی قرار دارد تمسک به اثبات عسر و حرج خود در دادگاه است. رویه قضایی نیز مؤید همین مطلب است. در پیوندهایی که زوجه به دلیل عدم برقراری رابطه جنسی درخواست طلاق داده است ذیل ماده ۱۱۳۰ و با اثبات عسر و حرج خود توانسته است دادگاه را متقاعد به صدور رأی طلاق کند. قاضی نیز با همین مستندات رأی را صادر کرده است. نشوز زوج به تنهایی مسبب صدور رأی طلاق نیست. برای مثال در تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۹۲ برای موردی که زوجه گواهی پزشکی دال بر باکره بودن خود پس از چند سال زندگی مشترک و عدم توانایی زوج در انجام عمل زناشویی را به دادگاه ارائه کرده بود دادگاه تجدیدنظر استان تهران با احراز عسر و حرج زوجه ذیل ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی گواهی عدم امکان سازش را صادر کرده است.

به همین ترتیب، شعبه ۱ دیوان عالی کشور نیز در تاریخ ۱۳ اسفند ۱۳۹۲ با توجه به نظر داوران که موفق به سازش و اصلاح ذات‌البین نشده‌اند تنفر زوجه از زوج را معمولی و عادی ندانسته و به سبب خوف بسیار زیاد، وقوع فساد و فراهم شدن موجبات عسر و حرج با این حد از کراهت و نفرت، گواهی عدم امکان سازش ذیل ماده ۱۱۳۰ را صادر کرده است. در این پیونده سال‌های اول ازدواج، زوج از ارتباط زناشویی خودداری کرده بود و پس از آن نیز زوجه اقدام به ترک منزل مشترک کرده و پس از ۱۲ سال درخواست طلاق داده بود. (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۱، قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی)

تأکید بر جرم‌انگاری نشوز زوج و در نظر گرفتن ضمانت اجرای کیفری برای موارد غیرمالی نشوز وی از آن روست که در حال حاضر زوجه تنها با اثبات عسر و حرج خود به دادگاه می‌تواند امکان‌هایی از زندگی را که در آن از نظر جنسی در مضیقه است، پیدا کند حال آنکه نشوز زوج بر اساس قواعد فقهی به تنهایی موجب طلاق زوجه است و لزومی به اثبات عسر و حرج در این زمینه نیست. امری که در محاکم کنونی رعایت نمی‌شود و زن مجبور است عسر و حرج خود را در موردی اثبات کند که به طور عملی، امکان اثبات آن وجود ندارد؛ زیرا زوج در چنین مواردی حاضر به شهادت دادن نیست و برای روابط خصوصی زوجین هم شاهی وجود ندارد.

## ۸. نشوز زوج در برابر حق جنسی زوجه در لایحه ارتقای امنیت زنان

- حقوقی مانند حق قسم یا بیتوته را که در متون فقهی تأکید شده است به رسمیت می‌شناخت. حق قسم یعنی، زوج موظف است در هر چهارشب دست‌کم یک شب را با همسر خود هم‌بستر شود. این حق به مجرد ازدواج دائم شروع و هر چهارشب یک بار به طور منظم تکرار می‌شود. به این ترتیب اگر مردی چهار زن داشته باشد همه شب‌هایش در اختیار همسرانش است. آنچه در این حق واجب است خوابیدن در کنار هم در یک بستر است و نه آمیزش جنسی؛

- حق موافقه را به رسمیت می‌شناخت؛

- ترک و رعایت نکردن این حقوق را جرم‌انگاری می‌کرد و ضمانت اجرای کیفری برای آن قائل می‌شد؛

- در قالب حقی که در صورت سلب آن به تنهایی موجب طلاق زوجه می‌شود، قرار می‌گرفت.  
- مقنن با گنجانیدن چنین تدابیری در این لایحه می‌توانست در جلوگیری از بسیاری از آسیب‌های جسمی و روحی به زنان مؤثر باشد.

## ۹. خیانت زوج به زوجه

خیانت به معنی عدم پایبندی و تعهد به عهد زناشویی و ازدواج است. این مسئله یکی از زیان‌آورترین عمل در روابط زناشویی است. زنان آسیب‌دیده از نظر عاطفی و روحی به شدت دچار آسیب می‌شوند و اعتماد به خود و شریک زندگی خود را از دست می‌دهند.

## ۱۰. آسیب‌های روانی خیانت بر زوجه

۱۰-۱. شوک

زنانی که دچار خیانت دیدن از سمت همسر خود می‌شوند پس از اطلاع از این مسئله دچار شوک زندگی می‌شوند و مسئله را انکار می‌کنند. این افراد تمام تلاش خود را می‌کنند تا با دلایل زیادی دست به انکار این مسئله بزنند. (بی‌نام، بی‌تا، مرکز مشاوره و روان‌شناختی زرین‌فر)

### ۱۰-۲. اضطراب

اضطراب از دیگر آسیب‌هایی است که با خیانت بر زنان فشار وارد می‌کند. زنان بعد از خیانت از نظر روحی و روانی بیشتر آسیب می‌بینند و احتمال بروز رفتارهای ناسالم و مخاطره‌آمیز در آنها بیشتر است. (بی‌نام، بی‌تا، مرکز مشاوره و روان‌شناختی زرین‌فر)

### ۱۰-۳. خشم

وقتی فرد خیانت‌دیده به این باور می‌رسد که همسرش به او خیانت کرده است دچار خشم و عصبانیت می‌شود. در نتیجه با بلند کردن صدای خود یا دعوا و بگومگو سعی می‌کند این خشم را تخلیه کند. برخی از این زنان ممکن است خود را در ایجاد این مسئله مقصر بدانند و به سرزنش خود نیز بپردازند. (بی‌نام، بی‌تا، مرکز مشاوره و روان‌شناختی زرین‌فر)

### ۱۰-۴. افسردگی

از دست دادن اعتماد به نفس و ایجاد افسردگی قدم بعدی برای زنانی است که به آنها خیانت می‌شود. این زنان احساس می‌کنند هیچ‌گونه جذابیت و ارزشی ندارند. این علائم به مرور به صورت فیزیکی نیز ظهور می‌کند. فرد خیانت‌دیده ممکن است میل به غذا نداشته باشد و یا آن قدر پرخوری کند که به خودش آسیب بزند. در برخی موارد این زنان آن قدر عاجز و ناتوان می‌شوند که به فکر خودکشی و مرگند. این افراد روابط اجتماعی خود را محدود می‌کنند. اعتماد خود نسبت به سایرین را از دست می‌دهند و ممکن است تا آخر عمر نتوانند به هیچ مردی اعتماد کنند. (بی‌نام، بی‌تا، مرکز مشاوره و روان‌شناختی زرین‌فر)

### ۱۰-۵. انزوای اجتماعی

زن خیانت‌دیده از روی شرم و احساس گناه از دیگران فاصله می‌گیرد تا مجبور نباشد به سؤالات آنها درباره خیانت شوهرش پاسخ دهد. علاوه بر آن، فشار روانی ناشی از مشکلات متعاقب با خیانت مانند مشکلات کاری، تنش‌های زناشویی و... همگی می‌تواند انرژی زیادی از فرد بگیرد و

فرد را مجبور کند تا از همه فاصله بگیرد و در خلوت خود برای مشکل پیش آمده به دنبال راه حل باشد و یا در غم و افسردگی فرو رود. (بی نام، بی تا، مرکز مشاوره و روان شناختی زرین فر)

### ۱۱. اشکال خیانت زوج

خیانت به صورت ارتباط مجازی؛ یعنی به صورت ارسال پیام و برقراری رابطه عاطفی. خیانت به صورت داشتن رابطه جنسی.

### ۱۲. جایگاه خیانت در لایحه ارتقای امنیت زنان در برابر سوءرفتار

در عناوین کیفری عبارتی بانام حکم خیانت مرد به زن نیست، بلکه در حقوق از آن بانام روابط نامشروع یاد می شود و جزای جرم رابطه نامشروع مدنظر است. در قانون، مسئله خیانت زوج به زوجه به طور جداگانه جرم انگاری نشده و فقط خیانت به صورت برقراری رابطه جنسی در زیرمجموعه روابط نامشروع جرم انگاری شده است. صورت دیگر خیانت یعنی، ارتباط مجازی مدنظر مقنن نیست درحالی که خیانت به هردو شکل آن آسیب های روحی و جسمی جدی به زوجه، بنیان خانواده و تربیت فرزندان می زند که این موجب آسیب های غیرقابل جبران به جامعه می شود. در لایحه ارتقای امنیت زنان هم به این سوءرفتار پرداخته نشده است.

### ۱۳. حبس خانگی زوجه

حبس زن در خانه توسط شوهر یکی از اتفاقاتی است که ممکن است طی اختلافات زن و شوهر و یا براساس اجباری که مرد بر زن دارد، اتفاق بیفتد. مسئله این است که ازدواج چه در قانون و چه در شرع، منافای آزادی و انتخابات فردی نمی شود و هدف ازدواج، زندانی شدن جسم و روح نیست. باوجود الزام داشتن به تمکین زن، هیچ گاه اجازه اجبار و زور به مرد داده نشده است و حتی اگر زن تمکین نکند مرد اجازه استفاده از زور را ندارد. براساس همین موضوع می توان حدس زد که حبس زن در خانه توسط شوهر نوعی سوءرفتار است که موجب صدمات روحی و جسمی فراوان به زن می شود.

## ۱۴. حبس خانگی از منظر قرآن

مجازات حبس خانگی زن در قرآن با تحقق شرایط ویژه‌ای بیان شده است، اما فقط برای زنی که عمل منافی عفت انجام می‌دهد که البته آن هم بعدها به وسیله آیات دیگری منسوخ شده است. در قرآن کریم آیه‌ای مبنی بر اینکه زن فاحشه باید مجازات شود و کیفر او حبس و زندانی شدن در خانه است، وجود دارد، اما برخی بر این باورند که این آیه نسخ شده است.

### ۱۴-۱. کیفر زن فاحشه

حبس ابد در خانه در آغاز اسلام، کیفر زن فاحشه در صورت شهادت شهود است. «والتی یاتین الفحشۃ من نساءکم فاستشهدوا علیهن اربعة منکم فان شهدوا فامسکوهن فی البیوت حتی یتوفهن الموت؛ وکسانی از زنان شما که مرتکب زنا شوند چهار نفر از مسلمانان را به عنوان شاهد بر آنها بطلبید. اگر گواهی دادند آنان (زنان) را در خانه‌ها (ی خود) نگاه دارید تا مرگشان فرارسد یا اینکه خداوند راهی برای آنها قرار دهد». (نساء: ۱۵) وقتی می‌خواهند بگویند: «فلانی فلان عمل را انجام داده» هم می‌گویند: «فلان اتاه» و هم تعبیر می‌کنند «فلان اتی به». کلمه فاحشه از ماده (ف-ح-ش) به معنای طریقه شنیعه است، ولی استعمالش در عمل شنیع زنا شایع شده است. در قرآن کریم در آیه زیر بر لواط و عمل مساحقه یعنی، هم جنس بازی زنان اطلاق شده است. «انکم لتاتون الفاحشه ما سبقکم بها من احد من العالمین؛ و لوط را (به رسالت فرستادیم) که به قوم خود گفت: آیا عمل زشتی که پیش از شما هیچ کس بدان مبادرت نکرده است، به جا می‌آورید» (اعراف: ۸۰). بیشتر مفسرین گفته‌اند: «مراد از فاحشه در آیه مورد بحث، عمل زناست». مفسرین روایتی هم نقل کرده‌اند که رسول خدا ﷺ وقتی آیه تازیانه در اول سوره نور نازل شد، فرمود: «این همان راه علاج و سبیلی است که خدا ای تعالی در آیه پانزده سوره نساء وعده‌اش را داده است» (طباطبایی، ۱۳۹۷، ۴/۳۶۹).

## ۱۴-۲. نسخ مجازات حبس

در این جمله مسئله حبس کردن دائمی زن مورد بحث را مترتب کرده است بر شهادت دادن شهود نه بر اصل وقوع عمل زشت. خلاصه کلام اینکه تنها وقتی حکم حبس ابد از ناحیه حاکم صادر می‌شود که چهار شاهد بر صدور عمل فاحشه از زن شهادت دهند و اگر شهود شهادت ندهند حکم صادر نمی‌شود، هرچند حاکم یقین به صدور آن داشته باشد. این خود یکی از منت‌های خدای سبحان بر امت اسلام است که نسبت به او عفو و اغماض اعمال کرده است. حکم نام‌برده حبس دائمی است به قرینه اینکه نهایت مدت حبس را مرگ زن قرار داده است و فرمود: «حتی یتوفاهن الموت؛ تا مرگ، ایشان را دریابد» (نساء: ۱۵). تعبیر حبس ابد آن هم در زندان نیامده است، بلکه فرمود: «آنها را در خانه‌ها نگه بدارید تا مرگشان فرارسد». این نیز دلیل روشنی است بر اینکه خواسته است کار را بر مسلمانان آسان بگیرد و از سخت‌گیری اغماض کند و اینکه فرمود: «تا مرگشان برسد» و «خدا راه نجاتی برایشان مقرر بدارد» منظور نجات از حبس ابد است. در اینکه تردید کرد و فرمود: «یا آن و یا این» اشاره‌ای است به اینکه «امید آن است که حکم حبس ابد نسخ شود» همچنان که همین‌طور هم شد. برای اینکه حکم تازیانه حکم حبس ابد را نسخ کرد و این از ضروریات است که حکم جاری درباره زناکاران در اواخر عمر رسول خدا ﷺ نازل شد و بعد از رحلت آن جناب در بین مسلمانان جاری شد. مسئله زندانی کردن بعد از رحلت آن جناب مورد عمل واقع نشد، پس آیه شریفه به فرضی که دلالت کند بر حکم زنان زناکار هیچ تردیدی نیست در اینکه با این آیه، تازیانه نسخ شده است (طباطبایی، ۱۳۹۷، ۴/۳۶۹). آیه مذکور با آیه دیگر نسخ شده است (طبرسی، ۱۳۱۴، ۳/۳۴۸).

## ۱۴-۳. حبس خانگی از منظر قوانین

در حقوق و قوانین، جرمی بانام جرم حبس خانگی زن نیست، اما حبس زن در خانه توسط شوهر از منظر حقوقی این امکان را در اختیار زن قرار می‌دهد که بتواند با عبارت عسر و حرج تقاضای طلاق بدهد. از نظر حقوقی، خانواده یک گروه است و هر گروهی برای رسیدن به اهداف

خود نیاز به یک سرگروه دارد. قانون فقط در مفهوم تمکین، مرد را سرگروه خانواده قرار داده است. این بدین معنی نیست که مرد هر کاری که بخواهد می‌تواند در زندگی انجام دهد و زن هیچ حقی ندارد. حبس زن در خانه توسط شوهر یکی از مصادیق آزار جسمی و روحی زن است. در کلام ساده‌تر، هدف از حبس زن در خانه توسط شوهر این است که وی آزار ببیند و براساس این آزار، تغییر رفتاری از خود نشان دهد، اما چیزی نیست که در قانون مورد قبول باشد. بنابراین، زن می‌تواند به واسطه اثبات این مسئله در دادگاه تقاضای طلاق خود را ارائه دهد.

ماده ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی در این مسئله آورده است: «هرکس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آنها بدون حکمی از مقامات صلاحیت‌دار در غیر مواردی که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عنفاً در محلی مخفی نماید به یک تا سه سال حبس یا جزای نقدی یا از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد». در ماده اشاره شده است: «اگر فردی بدون اجازه قانون در هر پست و مقامی که باشد اقدام به بازداشت و زندانی کردن فرد دیگری کند به یک تا سه سال حبس و یا پرداخت جزای نقدی محکوم می‌شود». به طور کلی، در قوانین جرمی بانام حبس خانگی زوجه نیست و در صورت مواجهه شدن با این سوءرفتار برای جدایی باید به موارد عسر و حرج استناد کرد یا برای مجازات زوج به ماده ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی رجوع شود. در لایحه ارتقای امنیت زنان نیز از این سوءرفتار غفلت شده و به صورت جداگانه جرم‌انگاری نشده است درحالی‌که این سوءرفتار، آسیب‌های فراوان روحی برای زوجه به ارمغان می‌آورد.

### ۱۵. نتیجه‌گیری

هدف این لایحه، ارتقای امنیت زنان در برابر هرگونه سوءرفتار است. با پرداختن به خلأهایی که در نوشتار حاضر آمد این لایحه می‌تواند به‌گونه‌ای جامع‌تر برای هدف خود که تأمین امنیت زنان است نقش داشته باشد. با توجه به اینکه حقوق معنوی زوجه که فقدان یا عدم پرداخت کافی به آن در این لایحه به چشم می‌خورد پشتوانه خوبی در فقه دارد توجه به این امر و نیازهای امروزی زنان توجه و بازبینی این حقوق در این لایحه را می‌طلبد.

## فهرست منابع

\* قرآن کریم

۱. بی‌نا (۱۳۸۱). قانون الحاق یک‌تصدیه به ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی. مشاهده شده در [https://rc.majlis.ir/fa/law/search?from\\_app\\_date=1381/04/29&to\\_app\\_date=1381/04/29](https://rc.majlis.ir/fa/law/search?from_app_date=1381/04/29&to_app_date=1381/04/29)
۲. بی‌نا (بی‌تا). مرکز مشاوره فرزین. آسیب‌های روانی خیانت. مشاهده شده در <https://www.zarrinfar.com>
۳. حلی، محمدبن حسن (۱۴۱۳). مختلف الشیعه فی احکام الشریعه. قم: انتشارات دفتر انتشارات اسلامی.
۴. داداشی چکان، محمدمهدی، و آشنا، حمید (۱۳۹۷). نشوز زوج، تزلزل در سلامت جنسی زوج و وضعیت فراموش شده در قوانین ایران. نشریه مطالعات حقوق شهروندی، ۱۹(۱)، ۳۹-۵۴.
۵. شریعتی، سعید (۱۳۸۴). حقوق ملت و دولت در قانون اساسی. تهران: کانون اندیشه جوان.
۶. شعربافی‌زاده، مرضیه (۱۳۸۵). تبیین حق جنسی زوجین در بستر متون فقهی و حقوقی. نشریه علمی-فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۵۰(۱۴)، ۶۷-۹۲.
۷. شعربافی‌زاده، مرضیه، صادقی فسایی، سهیلا، شاکری گلپایگانی، طوبی، و آذری، هاجر (۱۳۹۸). بررسی نشوز زوج و راهکارهای مواجهه با آن. نشریه حقوق تطبیقی معاصر، ۱۹(۱۰)، ۱۸۳-۲۰۲.
۸. صدوق، محمدبن علی (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه. قم: انتشارات دفتر انتشارات اسلامی.
۹. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۷۰). آزادی‌های عمومی و حقوق بشر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی.
۱۱. طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۳۱۴). مجمع البیان. تهران: انتشارات فرهنگی.
۱۲. طرابلسی ابن براج، ابوالقاسم (۱۴۰۶). المذهب. قم: انتشارات دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۰). النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی. بیروت: دارالکتب العربی.
۱۴. قاضی شریعت پناهی، سیدابوالفضل (۱۳۸۵). بایسته‌های حقوق اساسی. تهران: انتشارات میزان.
۱۵. محسنی، الهه، تک، گولن، سینم، و هلال، غفران (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی خروج زوج از کشور با تأکید بر حقوق کشورهای مسلمان. نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، ۱۱(۱۳)، ۳۵-۵۵.
۱۶. محقق حلی، نجم‌الدین (۱۴۰۸). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۳۲). انوار الفقاهه فب احکام العتره. قم: دارالنشر علی بن ابی طالب علیه السلام.
۱۸. منصور، جهانگیر (۱۳۹۶). قانون مجازات اسلامی. تهران: دیدآور.
۱۹. منصور، جهانگیر (۱۴۰۱). قانون مدنی. تهران: دیدآور.
۲۰. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۷). تحریر الوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۲۱. مهرپور، حسین (۱۳۹۵). حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات اطلاعات.
۲۲. مهرپور، حسین (۱۳۹۷). نظام بین‌المللی حقوق بشر. تهران: انتشارات اطلاعات.
۲۳. میری‌نام‌نیها، میلاد (۱۳۹۹). مطالع تطبیقی اعلامیه جهانی حقوق بشر با عمل نسبت آن در قالب قوانین جمهوری اسلامی ایران. نشریه علمی-تخصصی-پژوهشی در هنر و علوم تخصصی، ۵(۵)، ۵۷-۷۰.
۲۴. نجفی، محمد حسن (۱۳۹۱). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.

۲۵. ندایی، میثم، و سیدبنایی، باقر (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی تبیین نشوز زوجه و نشوز زوج در مبحث حقوقی و فقهی. نشریه پژوهش‌های حقوق تطبیقی عدل و انصاف، ۱(۳)، ۴۲-۶۲.

26. Shelton, D. (2008). *Regional protection of Human Rights*. New York: oxford university press.

